



## کرسی

### شرح مختصر نظریه روش‌شناسی علوم فطری

احمد ابوترابی\*

کرسی نظریه‌پردازی روش تحقیق در علوم فطری به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد ابوترابی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ارائه شده است. مدارک و مستندات این کرسی برای برگزاری به دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده است. در این مجال، گزارشی از کرسی را به قلم نظریه‌پرداز محترم مرور می‌کنیم.

به‌خصوص فیلسوفان بوده و هست؛ اما هیچ‌گاه تاکنون برای دستیابی به ریشه اصلی این اختلاف‌ها، کاری گسترده و

اینکه انسان دارای امور فطری، به‌ویژه علوم فطری هست یا نه، در طول تاریخ دچار اختلاف‌هایی میان اندیشمندان،

\* استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



شناخت روش تحقیق، از جمله اصول این نظریه است. برای مثال، در این نظریه نشان داده شده است که در اقسام فطرت، روش اثبات دانش‌های فطری با روش اثبات توانش‌ها و گرایش‌های فطری متفاوت است. همچنین روش اثبات فطریات بالفعل با روش اثبات فطریات بالقوه و روش اثبات فطری سازواری متفاوت است. در بحث از ویژگی‌های امور فطری، در این نظریه اثبات شده است که فطریات، ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارند و روش‌های اثبات هر یک از ویژگی‌ها، با روش اثبات ویژگی دیگر متفاوت است؛ یعنی روش اثبات غیراکتسابی بودن با روش اثبات عمومی بودن متفاوت است و اثبات کرده‌ایم که از ویژگی‌های یکی نمی‌توان دیگری را اثبات کرد.

برای مثال، راه اثبات یک گرایش فطری بالفعل در خود، درون‌نگری است؛ درحالی‌که اثبات یک گرایش فطری بالقوه در دیگران، با درون‌نگری ممکن نیست. اثبات یک گرایش فطری در دیگران مانند نیاز به قرنطینه، مراجعه به نشانه‌های تجربی و استقرای تاریخی و مشابه این راه‌ها دارد؛ افزون بر این، میزان اعتبار این راه‌ها نیز یکسان نیست.

دقیق انجام نگرفته است. به نظر می‌رسد برای پایان دادن به این اختلاف‌ها، باید روش درست تحقیق و متدولوژی این موضوع به درستی و به روشنی تبیین شود. برای بیان روش صحیح تحقیق در این موضوع نخست باید مفهوم‌شناسی‌ای دقیق نسبت به واژه فطرت و فطری صورت گیرد و معنای مورد بحث از میان معانی متعدد و نزد یک به محل نزاع مشخص، و سپس ویژگی‌های امور فطری بیان شود. پس از آن، اقسام مختلف امور فطری بیان شود و آن‌گاه با توجه به معنای برگزیده از میان معانی مختلف فطرت و فطری، و با توجه به ویژگی‌های مورد قبول از امور فطری و تقسیم‌ها و اقسامی که برای امور فطری پذیرفتنی است، شیوه درست تحقیق، متناسب با معنا و ویژگی‌ها و هر یک از اقسام مورد نظر تبیین شود.

به نظر نگارنده، بیان شیوه درست تحقیق در این موضوع، بدون پیمودن این مراحل ممکن نیست. از این‌رو، نگارنده برای رسیدن به هدف این نظریه، همه مراحل مذکور را به همان ترتیب منطقی که بیان شد، گذرانده است. نشان دادن ضرورت طی مراحل مذکور و تأثیر آن در



روش اثبات مصداق چنین فطرتی با روش اثبات فطرت بینشی و فطرت گرایشی کاملاً متفاوت است؛ چون اثبات این گونه فطریات در مورد انسان (برای انسان‌های عادی) تنها با روش مرجعیت و مراجعه به وحی ممکن است.

حاصل سخن اینکه، در این نظریه پس از تعیین معنای مورد نظر از فطرتی و ویژگی‌ها و اقسام فطریات، روش‌های اختصاصی تحقیق در هر یک از ویژگی‌ها و اقسام امور فطرتی به تفکیک بیان شده است. روش‌های بیان شده در این دیدگاه عبارت‌اند از: روش اثبات غیراکتسابی بودن، روش اثبات عمومی بودن، روش اثبات تبدیل‌ناپذیر بودن، روش و شناخت تمایلات فطرتی در خود، روش اثبات تمایلات فطرتی در دیگران، روش شناخت علم فطرتی در خود، روش اثبات علم فطرتی در دیگران، روش شناخت و اثبات فطریات ناآگاهانه، روش اثبات فطریات توانشی، روش اثبات فطریات سازواری.

شایان ذکر است که این نگارنده در مورد معنای مورد نظر از فطرت و فطرتی و در مورد ویژگی‌های امور فطرتی و

مثال دیگر، فطرت سازواری است. این واژه، اشاره به نوعی دیگر از فطرت دارد که از ابداع‌های صاحب این نظریه است. به نظر می‌رسد تنها راه اثبات این نوع فطریات برای انسان‌های عادی، راه مرجعیت است. مراد از این نوع فطرت، نوعی هماهنگی فطرتی یک چیز با چیز دیگر است؛ آن‌گونه که یک درخت با به‌گونه‌ای آفریده شده است که تنها با مایعاتی خاص رشد می‌کند و به بار می‌نشیند، به همین سان انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که تنها با باورها و رفتارهایی خاص به رشد و کمال واقعی خود می‌رسد. برای نمونه، تنها راه رشد معنوی و تکامل انسان عبادت است. این ویژگی در انسان مربوط به نحوه خلقت اوست؛ یعنی فطرتی است؛ این فطرت تبدیل‌ناپذیر است؛ بدین معنا که نمی‌توان انسان را چنان تغییر داد که با میگزایی و دروغ‌گویی به تکامل برسد؛ همان‌گونه که نمی‌توان طبیعت یک درخت را به‌گونه‌ای تغییر داد که به جای آب با بنزین رشد کند. این فطرت را ما فطرت سازواری نامیده‌ایم؛ چه آنکه تنها آموزه‌هایی خاص با ساختار آفرینش انسان سازگار است؛ اینک می‌گوییم



می‌کنند و به بار می‌نشینند. این ویژگی در درختان مربوط به نحوه آفرینش آنهاست. به همین سان انسان‌ها در امور انسانی و معنوی به گونه‌ای آفریده شده‌اند که تنها با پذیرش و ایمان به باورهایی خاص و عمل به احکامی ویژه به رشد معنوی و مقامات اخروی و کمالات انسانی می‌رسند و این مربوط به نحوه آفرینش انسان است. برای نمونه، انسان تنها با عبادت به شیوه‌هایی خاص رشد می‌کند و هرگز با میگزاری و دروغ‌گویی نمی‌تواند به این کمالات برسد. به نظر می‌رسد مراد از فطری بودن همه دین که در بعضی روایات بدان اشاره شده است، نمی‌تواند چیزی جز این باشد. بنابراین، باید نوعی دیگر از فطری را پذیرفت و مراد از این نوع فطرت، هماهنگی و سازگاری برخی باورها و رفتارهایی خاص با نحوه آفرینش انسان است. از این رو، آن را فطرت سازواری نامیدیم. شاید مهم‌ترین مصداق آن، فطری بودن باورهای دینی و احکام اسلام باشد که با آفرینش انسان هماهنگ است؛ یعنی انسان به گونه‌ای آفریده شده است که تنها با باورهای دینی اسلام و عمل به احکام آن به تکامل خواهد رسید. بنابراین تنها

تقسیمات و اقسام امور فطری نیز نخست نظر برگزیده و ویژه خود را بیان کرده، سپس روش تحقیق در هر یک را هم بر اساس نظر دیگران و هم براساس نظر برگزیده خود ذکر کرده است.

### شرح اصطلاحات و مفاهیم ابداعی به کار رفته در نظریه

#### الف) فطرت سازواری

این واژه را که از ابداع‌های نگارنده، و از یکی از اقسام فطرت است، می‌توان چنین توضیح داد: در تقسیمات فطرت، معمولاً از دو نوع فطرت بینشی (دانش‌های فطری) و گرایشی (تمایلات فطری) نام برده می‌شود. از گفته دیگران می‌توان به دست آورد که فیلسوفان به نوعی دیگر از فطرت به نام فطرت توانشی (قوای فطری) نیز باور دارند؛ اما به نظر می‌رسد فطریات منحصر به این سه نوع نیست؛ بلکه از نوع چهارمی نیز می‌توان نام برد که دیگران بیان نکرده‌اند، و به هیچ‌یک از این سه نوع امور فطری نیز بر نمی‌گردد. برای تقریب به ذهن، می‌توان از این مثال می‌توان استفاده کرد که درختان به گونه‌ای آفریده شده‌اند که تنها با مایعاتی خاص و کودهایی ویژه رشد



بیرونی و مرجعیت، مشاهده حسی، قوه عقل و ساخته‌های ذهن به دست نیامده است.

### ه) فطری به معنای أخص یا فطری سرشتی

فطری به معنای أخص (یا فطری سرشتی) همان معنای غیراقتسابی به معنای أخص را دارد به اضافه اینکه، اختصاص به امور انسانی بشر دارد.

### گزارش فرایند تکون، تطور و تکامل نظریه

فرایند تکون این نظریه به ترتیب ذیل است:

۱. برای نشان دادن روش‌های درست تحقیق در علوم فطری، نگارنده در گام اول، در صدد مفهوم‌شناسی و موضوع‌شناسی امور فطری برآمده تا بر اساس آن روش‌های تحقیق متناسب با موضوع را بیان کند. در این مرحله بر اساس نظر مشهور می‌گوید اگر امور فطری دارای سه شاخصه غیراقتسابی بودن، عمومی بودن و تبدیل‌ناپذیر بودن باشد، باید راه‌های شناخت اثبات هر یک از این سه شاخصه را بیان کرد. افزون بر

دین اسلام است که با نحوه آفرینش انسان سازگاری دارد و دست‌کم یکی از معانی آیه فطرت (...فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ..) می‌تواند همین معنا باشد.

### ب) فطری بالقوه

فطری بالقوه در برابر فطری بالفعل است؛ این اصطلاح بر این مبناست که امور فطری ممکن است بالقوه باشند.

### ج) تقسیم علوم فطری به فطری آگاهانه و ناآگاهانه

بر اساس تقسیم علم به آگاهانه، نیمه‌آگاهانه و ناخودآگاه، علوم فطری را نیز می‌توان به آگاهانه، نیمه‌آگاهانه و ناخودآگاه تقسیم کرد. میان فطری بالقوه و فطری ناآگاهانه فرقی دقیق وجود دارد که در مقام بیان نظریه به تفصیل توضیح داده شده است. افزون بر این، برخی از فیلسوفان غرب پنداشته‌اند که واژه «علم فطری ناآگاهانه» مفهومی تناقض‌آمیز دارد. در ضمن بیان نظریه توضیح داده شده است که چنین نیست.

### د) غیراقتسابی به معنای أخص

مراد از غیراقتسابی به معنای أخص، امری است که از تعلیم و تلقین، القای



این، چون فطریات دارای اقسامی هستند و هر کدام از اقسام ویژگی‌هایی مخصوص دارند، بنابراین روش‌های اثبات متفاوتی دارند و باید روش‌های شناخت و اثبات هر یک از اقسام را باید جداگانه تبیین کرد.

۲. پس از تحلیل و تحریر محل نزاع، نگارنده در صدد برآمده است تا راه‌های شناخت و اثبات هر مرحله را بیان کند. از این‌رو، در مقام اثبات گرایش‌های فطری می‌گوید ابتدا باید وجود یگ‌گرایش در درون نفس اثبات شود. بنابراین، در این مرحله، به تبیین راه‌های مختلف اثبات وجود یک‌گرایش در درون نفس می‌پردازد و در این مقام تفاوت میان اثبات یک شهود در خود با اثبات یک شهود در دیگران را بیان می‌کند. سپس به بیان تفاوت راه‌های شناخت و اثبات یک امر شهودی بالفعل و آگاهانه با امر شهودی بالقوه و ناآگاهانه می‌پردازد و راه‌های شناخت و اثبات هر یک را بیان می‌کند.

۳. در گام سوم در این نظریه به این نکته می‌رسیم که چگونه باید اثبات کنیم یک امر درونی شهودی، غیراکتسابی

است. در این مرحله نخست این نکته را یادآور می‌شویم که برخلاف شیوه برخی، نیافتن منشأ اکتساب دلیل بر غیراکتسابی بودن نیست؛ زیرا عدم الوجدان لا یدل علی عدم الوجود. سپس راه‌های اثبات غیراکتسابی بودن را بیان می‌کنیم.

سه راه متصور برای این امر عبارت‌اند از راه‌های عقلی، تجربی و وحیانی. راه‌های عقلی معتبر برای اثبات غیراکتسابی بودن نزد نگارنده عبارت‌اند از: الف) اثبات غیراکتسابی بودن از راه ماهیت عالم؛ ب) اثبات غیراکتسابی بودن از راه ماهیت امر درونی‌ای که در مضان فطری بودن است.

راه تجربی مناسب برای اثبات غیراکتسابی بودن، قراردادن فرد مورد آزمایش در قرنطینه کامل از ابتدای تولد اوست که غیرعملی و غیراخلاقی است؛ راه دیگر راه وحیانی است که باید آیات و روایات دال بر آن را به لحاظ سند و دلالت بررسی کرد.

گفتنی است در این تحقیق درصدد بیان مصادیق نبوده‌ایم؛ بلکه به بیان



اثبات مجرد امر درونی؛ ب) اثبات عدم امکان تغییر در نفس ماهیت؛ ج) راه مراجعه به آموزه‌های دینی.

راه اول درباره برخی از اموری که در مظان فطری بودن هستند، کارایی دارد؛ مثل فطری بودن علم به نفس. راه دوم قابل اثبات نیست و راه سوم نیز در بعضی مصادیق مثل دین فطری کارایی دارد.

۶. در گام ششم به تبیین راه‌های اثبات هماهنگی یک امر با فطرت می‌پردازیم. هماهنگی با فطرت معانی مختلفی می‌تواند داشته باشد و برای هر معنا راه اثبات آن بیان شده است. یک معنا، هماهنگی با گرایش‌های درونی است که راه آن مراجعه به درون و شهود است؛ معنای دیگر، هماهنگی با دانش‌های شهودی است که این نیز از راه مراجعه به درون اثبات پذیر است و معنای دیگر، بیان فطرت سازواری است که تنها راه اثبات آن، مراجعه به آموزه‌های دینی، یعنی راه مرجعیت است.

۷. در قبال این نظریه، دیدگاه‌های دکارت، لاک و دیدگاه‌های فیلسوفان معاصر مسلمان مطرح شده است که

روش‌های کلی بسنده، و تنها در مواردی مثال‌هایی را بیان کرده‌ایم. البته در تحقیقی دیگر و در قالب کتابی مستقل، همه مصادیق بیان و بررسی شده‌اند.

۴. در گام چهارم باید راه‌های شناخت و اثبات عمومی بودن را بیان کنیم چون یکی از شاخصه‌های اصلی فطریات عمومی بودن است؛ در این مرحله چهار طریق بررسی شده است:

الف. راه تجربی (زیست‌شناختی) ای که مورد ادعای نوام چامسکی است و ناکارایی آن در ضمن بیان این نظریه بیان شده است؛

ب. راه استقراء تام، که روشن شده غیر عملی است؛

ج. راه استقراء تاریخی، که به نظر این نگارنده نتیجه ظنی و البته معقول دارد؛

د. راه استناد به آموزه‌های دینی که تنها در مواردی معدود مصداق دارد.

۵. در گام بعدی باید راه‌های اثبات تبدیل‌ناپذیری را بیان کنیم؛ زیرا یکی از شاخصه‌های امور فطری تبدیل‌ناپذیری است. راه‌های قابل طرح در این مرحله عبارت‌اند از: ۱)



به اجمال و به نقد آنها پرداخته‌ایم و عدم کارایی آن دیدگاه‌ها را نشان داده‌ایم.

### توضیح مختصر پیش‌فرض‌ها و مبانی نظری

این دیدگاه مبتنی بر اصول متعددی از منطق، فلسفه، معرفت‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. تقسیم علم به حضوری و حصولی، و خطاناپذیری علوم حضوری؛
۲. تقسیم علم به خودآگاه و ناخودآگاه، و معانی مختلف علم ناخودآگاه؛
۳. واقع‌نمایی و حجیت وحی الهی برای دستیابی به حقایق؛
۴. واقع‌نمایی و حجیت استدلال عقلی برای دستیابی به حقایق؛
۵. عدم ضرورت عمومی بودن امور فطری؛
۶. عدم ضرورت تبدیل‌ناپذیری امور فطری؛
۷. محل اصلی نزاع در نظریات فطرت، معنای اخص فطری و معنای اخص غیراکتسابی است که به این معنا در سطور پیشین اشاره‌ای شد. تبادر ذهنی به امر فطری و غیراکتسابی،

فطری و غیراکتسابی به معنای اخص آنهاست که مفهوم آن قبل ذکر شد.

### اشتراکات و افتراقات نظریه با نظریه های رقیب و موجود:

در مقابل نظریه نگارنده در روش‌های تحقیق در علوم فطری، سه دیدگاه معروف وجود دارد:

دیدگاه اول، دیدگاه دکارت است که اساسی‌ترین ملاک و راه شناخت فطریات را وضوح و تمایز می‌داند. این دیدگاه را به اجمال نقد کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که اولاً در این دیدگاه ابهام‌هایی جدی وجود دارد؛ ثانیاً هیچ یک از صورت‌های احتمالی در مورد مراد وی، کارایی لازم را در شناخت و اثبات فطریات ندارد.

دیدگاه دوم، دیدگاه لاک است که سه راه اجماع عام، مقتضای رحمت الهی و وجدان اخلاقی را به‌عنوان راه‌های اثبات فطری بودن یک امر به حامیان نظریه فطرت نسبت می‌دهد.

ما نشان داده‌ایم که اولاً نسبت دادن این راه‌ها به حامیان نظریه فطرت دلیل روشن و قطعی ندارد و به فرض که چنین اقوالی وجود داشته باشد، این راه‌ها نمی‌توانند فطری بودن یک امر را اثبات کنند.





مورد تحلیل قرار گرفته، و نشان داده شده است که ادعای فطری بودن مستلزم چندین ادعاست و اثبات هر کدام از ادعاها، نیاز به روش ویژه‌ای دارد و آن روش‌ها، به تفصیل و تفکیک بیان شده است.

ب) در دیدگاه فیلسوفان مسلمان، نحوه به کار بردن عقل در اثبات فطری بودن یک امر تبیین نشده است. بر خلاف دیدگاه نگارنده که در اثبات هر ادعا، نحوه به کارگیری و روش مطلوب و متناسب عقلی برای اثبات هر ادعا نیز بیان شده است. برای مثال، گفته شده است که برای اثبات غیراکتسابی بودن، باید از راه ماهیت عالم و ماهیت امر درونی وارد شد. در اثبات تبدیل‌ناپذیری، یکی از راه‌های مناسب عقلی این است که از مجرد معلوم استفاده کنیم؛ زیرا مجردات تغییرناپذیرند.

از این‌رو، در دیدگاه فیلسوفان مسلمان، بیش از اینکه راه‌های شناخت امور فطری بیان شده باشد، راه‌های کلی معرفت بیان شده‌اند و به‌جز در مواردی اندک، راه‌های اثبات فطری بودن بیان نشده‌اند.

البته لاک نیز دلایلی را بر عدم کارایی این راه‌ها برای اثبات فطریات بیان کرده است که به باور نگارنده برخی از آن‌ها درست، و برخی نادرست است.

دیدگاه سوم، دیدگاه فیلسوفان معاصر مسلمان است که چهار طریق برای اثبات فطری بودن یک امر پیشنهاد می‌کنند: عقل، نقل، استقراء تاریخی و شهود.

راه‌های بیان شده از سوی فیلسوفان مسلمان، از نظر عنوان کلی، در بیشتر موارد با نظریه ارائه‌شده مشترک است؛ اما از جنبه‌های ذیل، با دیدگاه نگارنده اقتراق دارد:

الف) در دیدگاه فیلسوفان مسلمان چون امر فطری مورد تحلیل قرار نگرفته، این نکته مورد توجه قرار نگرفته است که ادعای فطری بودن یک امر چندین ادعای مستقل را دربردارد و هر کدام از این ادعاها نیاز به بیان روش شناخت و اثبات ویژه خود دارد و ادعای فطری بودن در هر یک از اقسام فطریات، شیوه کلی متفاوتی با شیوه اثبات فطری در قسم دیگر دارد. بنابراین، معرفی روش‌های کلی برای اثبات فطری بودن یک امر کارایی ندارد؛ در حالی که در دیدگاه نگارنده، نخست فطری بودن



### روش دستیابی به نظریه

روش در این نظریه کتابخانه‌ای و با استفاده از شیوه تحقیق تحلیلی و عقلی است.

### کارکردها و دستاورد نظریه (آثار علمی و کاربردی مترتب بر آن):

به نظر می‌رسد اگر همه آنچه تاکنون در باره مفهوم ردّ و اثبات امور و علوم فطری گفته شده است، در قالب این دیدگاه بررسی شود، به نتایج متفاوتی خواهد رسید و برخی از دیدگاه‌ها تغییر خواهد کرد و با توجه به اینکه در این نظریه، مقدمات ضروری این بحث مطرح شده، توجه و پذیرش این قالب ضروری است.

### مختصات کتاب یا مقاله که نظریه

#### در آن توضیح داده شده است:

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه امام خمینی ۱۳۷۶ با عنوان «طریق معرفت به علوم فطری».

۲. مقاله «پیش‌فرض‌های مفهوم‌شناسانه علوم فطری» چاپ شده در نشریه علمی پژوهشی معرفت کلامی شماره ۱۳.

۳. کتاب اصول و مبانی پژوهش در علوم فطری، در حال چاپ.

۴. کتاب علوم فطری نزد فیلسوفان غرب و اندیشمندان مسلمان، در حال چاپ.

۵. مقاله «روش شناختی علوم فطری»، در حال چاپ در نشریه علمی پژوهشی آیین حکمت، شماره ۲۳.

۶. مقاله «نقد و بررسی دیدگاه‌های دکارت و لاک در روش تحقیق در علوم فطری».

### نکته

نظریه فطرت در رشته‌های مختلف علوم قابل بررسی است. این نظریه بیشتر با نگاه فلسفی و عقلی به این موضوع پرداخته است؛ اما دیدگاه‌های علمی - تجربی نیز برای تعیین روش و حدود بحث، باید به این تحقیق توجه داشته باشند.

### کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، روش

تحقیق، علم فطری، گرایش فطری، فطرت سازواری، فطری ناآگاهانه، فطری بالقوه، قوه فطری، رنه دکارت، جان لاک، فیلسوفان مسلمان.